

ناملی پیرامون استودیو خوانی مداحان

ابوذر بیوکافی

مداح و ستایشگر اهل بیت علیهم السلام

هیأت و مداحی دارای تعریف مشخص و استانداردهایی است، در بازتعریف آن نیز بایست انسان سالک موضوعیت داشته باشد. در استاندارد مداحی، محیط چهره به چهره و حضوری اهمیت دارد در حالی که استودیو محیط غیرواقعی است. محیط غیرواقعی صرفاً یک ابزار است و بهره بردن از آن مشروط به تبدیل محبت به اطاعت از خداوند در میان مدت است. تجربه استودیوخوانی مداحان عراقی نیز که در نهایت به مداحی در محیط واقعی تغییر جهت دادند برای ما قابل استفاده است.

اندیشه - که عده‌ای از دوستان رد و عده‌ای آن را تأیید می‌کنند - باید یک مبنایی داشته وجود باشد. آن چیزی که به ما کمک می‌کند این است که ابتدا ما بر اساس یک مبنایی بررسی کنیم و بگوییم این کار درست است یا اشتباه و یا این که چه آینده‌ای را برای ما رقم می‌زند.

پس از بیانات رهبر معظم انقلاب در روز ولادت حضرت زهرا علیها السلام عده‌ای دنبال متهم و مصادیق می‌گشتند؛ در حالی که، طرفین این بحث، (مخالف یا موافق) اگر دنبال نتیجه هستند باید مبنا داشته باشند. نتیجه مطلوب هم این است که کاری کنیم تا جریان مقدس مداحی اهل بیت علیهم السلام رونق بیشتری پیدا کند، نقش آفرین باشد و تمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی کند. بعد هم در مسائل و حوزه‌ی اجتماع یک اتفاق و یک پدیده زمانی تبدیل به فرهنگ می‌شود و فرهنگ‌سازی می‌کند که فراگیری داشته باشد. مبنای ما این است که نتیجه کار، باعث شکوفایی عقلانیت و به تصویر کشیدن توحید شود

بحث را از اینجا شروع کنیم که علی‌رغم عمر کوتاه استودیوخوانی مداحان، این مسأله حاشیه‌های زیادی ایجاد کرده است؛ آیا شما تعبیر استودیوخوانی را برای مداحی و مداحان مناسب است؟ در حال حاضر این امر چقدر در جامعه‌ی ستایشگری شایع هست؟ لطفاً با ذکر مصادیق آن بفرمایید چه مقدار آن را قابل اعتنا می‌دانید؟

لزوم مبنا داشتن برای رسیدن به وحدت

این که بگوییم فلانی استودیوخوان است، من مداح هستم، آن یکی هیأتی خوان است، این شورخوان است، این‌ها موضوعاتی جزئی هستند که ما را به وحدت نرسانده، بلکه ما را به کثرت می‌رساند و در کثرت هم، هیچ وقت به اتحاد نمی‌رسیم. پس این که ما یک طیف خاص یا یک شخص خاصی را مخاطب قرار داده و بخواهیم متهم کنیم، خیلی توجیه عقلانی نداشته و ما را به نتیجه نمی‌رساند. ضمن این که برای پرداختن به این مسأله در حوزه‌ی